



## **"ILAF Initiative": to recreate Iran's geo-economic advantages at the historical crossroads of the Silk Road**

Editorial

**Hamidreza Fartoukzadeh** 

Professor, Faculty of Management and Industrial Engineering, Malek Ashtar University of  
Technology, Tehran, Iran

### **Abstract:**

For decades, Iran's economy, without having a geo-economic plan, has suffered from confusion and confusion on the margins of the Anglo-Saxon order.

"ILAF initiative" is an attempt to formulate the country's future geo-economic plan; A plan to revive the lost advantages of Iran's geo-economy at the historical crossroads of the Silk Road; and a plan to connect national value chains to regional markets and improve intra-regional trade balance. The driving forces of "ILAF initiative" are the intelligent environments of industrial and commercial cooperation, which include a complete system of supply and demand sides in two or more countries.

These intelligent cooperation environments, which are called "ILAF platforms", create a stable advantage and loyalty to long-term cooperation by enabling internal financing, clearing, and hedging.

**Keywords:** Policy making, progress, Iran, geostrategy

DOI: 10.22034/jmi.2023.172324



دوره ۱۷ شماره ۱ (پیاپی ۵۹)  
بهار ۱۴۰۲

## «ابتکار ایلاف»: برای باز آفرینی مزیت های ژئواکونومیک ایران در چهارراه تاریخی راه ابریشم

نوع مقاله: سخن سردبیر (صفحات ۷-۱)

حمیدرضا فر توک زاده<sup>✉</sup> استاد گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

### چکیده

اقتصاد ایران دهه هاست که بدون برخورداری از یک طرح ژئواکونومیک، به سرگردانی و سردرگمی در حاشیه نظم آنگلو ساکسونی مبتلا شده است. ابتکار ایلاف، تلاشی است برای صورت بندی طرح ژئواکونومیک آینده کشور. طرحی برای احیای مزیت های از دست رفته ژئواکونومی ایران در چهارراه تاریخی راه ابریشم. طرحی برای وصل کردن زنجیره های ارزش ملی به بازارهای منطقه و ارتقای تراز تجاری درون منطقه ای. قوای محرکه ابتکار ایلاف، محیط های هوشمند همکاری صنعتی و تجاری هستند که منظومه کاملی از طرفین عرضه و تقاضا در دو یا چند کشور را در خود جای می دهند. این محیط های هوشمند همکاری که پلتفرم های ایلافا نامیده می شوند، با ایجاد امکان تامین مالی، تصفیه حساب و مصون سازی داخلی موجب خلق مزیت پایدار و وفاداری به همکاری درازمدت می شوند.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری، پیشرفت، ایران، ژئواستراتژی.

## ۱- مقدمه

بیست و سوم فوریه ۲۰۲۲ را می‌توان نقطه عطف تحولات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی دوران معاصر منطقه دانست. در این روز پرحادثه، کشمکش تاریخی میان آنگلساکسون‌ها با رقبای قاره‌ای continental خود یعنی آلمان و روسیه، از پرده بیرون افتاد و ژئواکونومی اروپای کنتیننتال که حاصل ۱۶ سال مغالزه سیاسی آشکار و نهان خانم آنگلا مرکل با هم‌تاهای کرملینی بود، زیر چرخ‌های ماشین جنگی آنگلساکسون‌ها در حرکت ناتو به شرق از نفس افتاد و به محاق رفت. اما هنر آنگلساکسون‌ها در این بود که برخلاف جنگ‌های اول و دوم جهانی، منطقه نزاع و گسل ژئوپلیتیک قاره سبز را یک گام دیگر از خود دور کردند و به داخل محدوده رقیب دوران جنگ سرد یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بردند و اوکراین را سپر بلای خود ساختند.

روسیه اما، پس از دوران جنگ سرد با شتاب زایدالوصفی در حال ادغام در اقتصاد غرب بود به این امید که با برگ برنده نورداستریم ۲ بتواند عضو موثری از خانواده ثروتمند قاره سبز باشد. همین امید واهی باعث می‌شد که نگاه روسیه به ژئواکونومی دریای کاسپین همان نگاه اروپایی باشد و جایگاهی برای ایران در اقتصاد منطقه‌ای قائل نباشد. بسیاری از دولتمردان روسی مانند بسیاری از هم‌تایان ایرانی خود، نسبت میان اقتصاد ایران و روسیه را صرفاً رقابت در خام‌فروشی می‌انگاشتند و هیچ نشانی از فرصت و هم‌افزایی در همکاری با ایران سراغ نداشتند. ضمن اینکه چشم‌انداز فرصت همگرایی در ژئواکونومی کنتیننتال و تحکیم پیوندهای حیاتی میان اقتصاد روسیه و آلمان، آنچنان جذاب و دلفریب بود که جایی برای نگاه همسایگی در جهان ذهنی دولتمردان روس باقی نمی‌گذاشت و از این طرف هم سراب برجام را به امید ادغام در نظم اقتصادی آنگلساکسونی می‌سوزاندند. البته با این تفاوت که اقتصاد روسیه با صدها میلیارد دلار ذخایر و مازاد تجاری، سر به آسمان می‌سایید و اقتصاد ایران در چنبره فشار حداکثری و تحریم فلج‌کننده آنگلساکسون‌ها خاک‌نشین شده بود و تورم‌های فوق تصور را تجربه می‌کرد.

۲۳ فوریه ۲۰۲۲ از دیدگاه امنیت انسانی روز تلخی بود. روزی که ماشین جنگی روسیه وارد زمین‌هایی شد که در طول سال‌های طولانی پس از جنگ سرد با پیشروی ارتش هیبریدی آنگلساکسون‌ها به سمت شرق مین‌گذاری شده بود. بحران اوکراین یک فاجعه انسانی بود؛ فاجعه‌ای ناشی از انفجار مین‌های آنگلساکسونی زیرپای ماشین جنگی روسیه. از این نظر برای ما ایرانیان روزی تلخ و غمبار است. اما این پرونده سوبه دیگری هم دارد. طلاق عاطفی روسیه و آلمان. خروج یا بهتر بگوییم اخراج روسیه از اردوگاه نظم اقتصادی آنگلساکسونی.

## ۲- اما ایران...

مزیت ژئواکونومیک ایران به عنوان سرزمینی که هزاران سال چهارراه تجاری میان شرق و غرب عالم بوده است، در گیرودار کشمکش‌های آنگلساکسون‌ها و روس‌ها از دست رفته و روابط تجاری میان

ایرانیان و همسایگانش تضعیف و تخریب شده و نهایتاً با قرارداد سایکس پیکو، مهر واگرایی بر پیشانی اقتصادهای منطقه کوبیده شده است. آنگلواساکسون‌ها به خاطر مراقبت از منافع خود در کمپانی هند شرقی همواره در تضعیف ایران و نابود کردن مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک کشورمان سنگ تمام گذاشته‌اند. جدایی هرات و بحرین و مباشرت در جدایی شهرهای قفقاز از ایران، نمونه‌هایی از هزینه‌هایی است که آنگلواساکسون‌ها به ایران زمین تحمیل کرده‌اند. براساس ذهنیت آنگلواساکسونی، ایران سرزمینی است که مواد خام و نیمه‌خام می‌فروشد و کالاهای ساخته و نیم‌ساخته وارد می‌کند. همان طرح آنگلواساکسونی بازیابی دلار petrodollar recycling. طرحی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد و در شاکله اقتصاد ایران وابستگی به مسیر خام‌فروشی ایجاد کرد و بیماری هلندی را تا مغز استخوان اقتصاد ایران رسوخ داد. اقتصاد ایران قریب به شش دهه است که به عنوان حاشیه‌نشین نظم اقتصادی آنگلواساکسونی، در چرخه معیوب صادرات مواد خام و واردات کالاهای ساخته شده و نیم‌ساخته به دام افتاده است. بخش اعظم صنایع کشور یا در کار استحصال و فرآوری مواد خام هستند (از قبیل متانول، شمش فولاد، مس کاند و نظایر آن) یا در کار تولید محصولاتی هستند که عمدتاً منطق زنجیره ارزش بر آنها حاکم نیست (مانند یخچال، ماشین لباسشویی، خودرو، واگن برقی، کشتی‌سازی).

همین ساختار و آرایش صنعتی باعث شد که اقتصاد ایران در برابر تحریم‌های ناجوانمردانه آنگلواساکسون‌ها آسیب‌پذیر باشد و امکان خروج از چنبره هژمونی دلار پیدا نکند. سرمشق اقتصاد ایران همان است که شست سال پیش آنگلواساکسون‌ها نوشته‌اند. حتی اگر چینی‌ها طرف معامله باشند، بازی همان بازی آنگلواساکسونی است. فقط هزینه مبادله افزایش پیدا می‌کند. چون پلتفرم معاملاتی خام‌فروشی ذاتاً و ماهیتاً پلتفرم دلاری است. ایران به هر کشور صنعتی که مواد خام بفروشد، یا باید کالای صنعتی بگیرد یا دلار. راه دیگری وجود ندارد. از این جهت چین هم برای ایران تفاوت چندانی با غرب ندارد.

اقتصاد ایران به یک پلتفرم معاملاتی مستقل از دلار نیاز دارد و طرح ایلاف می‌تواند مسیر دستیابی به این پلتفرم را هموار کند. اما چگونه؟

### ۳- طرح ایلاف و پلتفرم معاملاتی مستقل از دلار

وقتی از پلتفرم معاملاتی مستقل از دلار سخن می‌گوییم یعنی به دنبال طرف‌های تجاری هستیم که هم آنها نیاز و تقاضای موثر برای محصولات ایرانی داشته باشند و هم شرکت‌های ایرانی متقاضی محصولات آنها باشند. چنین شرکای تجاری در نظم آنگلواساکسونی در دسترس شرکت‌های ایرانی نبودند حتی در دوران رژیم پهلوی که هیچ گونه تحریمی بر سر راه شرکت‌های ایرانی نبود. در دوران تحریم هم مدل مشابهی را با چینی‌ها دنبال کرده و می‌کنیم. چراکه چینی‌ها هم مانند غربی‌ها واردکننده مواد خام و نیمه‌خام و صادرکننده کالاهای صنعتی هستند. بنابراین در کارکردن با شرکت‌های چینی هم نمی‌توانیم از چرخه معیوب خام‌فروشی خارج شویم. البته این به معنی کار نکردن با چینی‌ها نیست؛

همچنان که کارکردن با آنگلو ساکسون ها را هم نفی نمی کنیم، بلکه به دنبال ایجاد تعادل و کاهش وابستگی تدریجی به پلتفرم دلاری هستیم. برای این منظور باید طرف های تجاری جدیدی را بیابیم که ماهیتاً مکمل اقتصاد صنعتی ایران بوده و از تعرض و دست اندازی آنگلو ساکسون ها در امان نسبی باشند. اینجاست که اهمیت پنجره فرصت ایلاف معلوم می شود؛ پنجره ای که پس از بروز بحران اوکراین به روی اقتصاد ایران گشوده شده است؛ پنجره ای که ناشی از شکاف میان روسیه و شرکای تجاری اروپایی است؛ ناشی از دیوار حائل که آنگلو ساکسون ها میان روسیه و آلمان کشیدند و اروپای کنتیننتال را بار دیگر به دو پاره جدا از هم تقسیم کردند. نوعی بازگشت به دوران جنگ سرد. البته با این تفاوت اساسی که دیگر موجودیتی به نام بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در کار نیست. فدراسیون روسیه هست و مهم تر از آن قدرت نوظهوری به نام چین در خاور دور که رویای راه ابریشم نوین با برند کمربند و جاده belt and Road را در سر می پروراند. اینجاست که رویداد ۲۳ فوریه ۲۰۲۲ به عنوان نقطه عطف طلاق عاطفی روسیه و آنگلو ساکسون ها با همه تلخی هایی که به لحاظ انسانی در بردارد، چشم انداز فرصتی برای بازیابی مزیت های از دست رفته ژئواکونومیک ایران را هم نشان می دهد. چشم اندازی که با عضویت جمهوری اسلامی ایران در پیمان شانگهای و توافق با اتحادیه اوراسیا دست یافتنی تر می نماید. چرا تجارت دوسویه ایران با اوراسیا و آسیای مرکزی شاه کلید خروج همزمان ایران و روسیه از سیطره نظم آنگلو ساکسونی است؟

مهم ترین ویژگی بازارهای اوراسیا و آسیای مرکزی برای اقتصاد صنعتی ایران، مکمل بودن است. غالب این کشورها به کالاهای صنعتی شرکت های ایرانی نیاز دارند. برخلاف اروپا و چین که حتی در شرایط عدم تحریم هم نیازی به کالای صنعتی ایرانی ندارند، کشورهای اوراسیا و آسیای مرکزی به ویژه خود روسیه پس از بحران اوکراین بازار بسیار خوبی برای تولیدکنندگان ایرانی و صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی هستند. از سوی دیگر کشورهای اوراسیا و آسیای مرکزی، تولیدکننده محصولات کشاورزی مورد نیاز ایران و همسایگان غربی و جنوبی ایران هستند. بنابراین با کشورهای یادشده می توانیم به تراز تجاری درون منطقه ای دست پیدا کنیم.

سومین مزیت همکاری شرکت های ایرانی با شرکت های اوراسیایی و آسیای مرکزی در موضوع لجستیک و حمل و نقل است. هم کوتاهی مسیر و هم در امان بودن از تعرض مستقیم و راهزنی دزدان دریایی آنگلو ساکسون از مزیت های برجسته این همکاری است.

چهارمین مزیت این همکاری، ایجاد قدرت چانه زنی و کسب موقعیت برتر در مذاکره با چینی ها در ابتکار کمربند و جاده است. هر چقدر که لجستیک اوراسیایی ایران هموارتر و روان تر شود، اشتیاق طرف چینی به همکاری با ایران در ابتکار کمربند و جاده بیشتر خواهد شد.

پنجمین مزیت این همکاری، تبدیل شدن ایران به هاب تجارت غلات منطقه است. تفاوت اقلیمی میان کشورهای شمالی و جنوبی، امتیاز مهمی برای سرزمین ایران به شمار می رود. در حالی که همسایه های جنوبی و حتی غربی ایران رو به خشکی و تنش آبی هستند، در شمال دریای کاسپین منابع

آبی سرشاری وجود دارد که می‌تواند پشتوانه امنیت غذایی منطقه باشد و نزدیک‌ترین و هموارترین راه وصل این دو اقلیم متفاوت سرزمین ایران است.

مزیت بسیار مهم دیگر در توسعه همکاری با کشورهای اوراسیا و آسیای مرکزی، استفاده از مزیت سرزمینی ایران برای سوپ نفتی و گازی است. البته این مزیت با دو خطر اساسی روبروست که باید برای آن چاره‌اندیشی شود. اولین خطر به رژیم حقوقی دریای کاسپین برمی‌گردد که می‌تواند ابزاری برای دست‌اندازی آنگلو ساکسون‌ها به منابع گازی کشورهای اوراسیا و آسیای مرکزی بشود و خطر دوم هم تلاش دولت باکو برای ایجاد دالان جعلی زنگه‌زور و حذف ایران از کریدور شمال جنوب است که مقام معظم رهبری به آقای اردوغان درباره‌ی آن تذکر داده‌اند. در مورد خطر اول با توجه به اینکه رژیم حقوقی دریای کاسپین هنوز در مجلس شورای اسلامی مطرح نشده فرصت بازنگری وجود دارد. ضمن اینکه به دلیل شکاف ایجاد شده میان روسیه و غرب، قاعدتاً باید روس‌ها هم در این بازنگری با جمهوری اسلامی ایران همراهی بیشتری داشته باشند. در مورد خطر دالان جعلی زنگه‌زور هم دو سناریوی تورانی و آنگلو ساکسونی وجود دارد. در سناریوی تورانی، دینفعان اصلی یعنی رژیم صهیونیستی و دولت‌های ترکیه و باکو به دنبال حذف ایران و کمرنگ کردن و حذف تدریجی ارمنستان هستند ولی در سناریوی آنگلو ساکسونی، آمریکایی‌ها با همراه کردن جناح غرب‌گرای داخل ارمنستان به دنبال حذف ایران و ایجاد همگرایی میان آذربایجان و ارمنستان هستند. نکته حائز اهمیت این که هر دو سناریو در حذف ایران از دالان‌های قفقاز اتفاق نظر و اشتراک منافع دارند.

به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران باید با ترکیب هوشمندانه‌ای از ابزارهای قدرت‌های نرم و سخت، ابتکار عمل را در منطقه قفقاز به دست بگیرد.

## ۴- و اما قفقاز...

۲۱ اوت ۲۰۱۸ را می‌توان روز فتح‌الفتوح آنگلو ساکسون‌ها در تسخیر بدون خونریزی قفقاز و آسیای مرکزی با رویکرد ژئواکونومیک دانست. نقطه عطف جنگ هیبریدی قفقاز. روز امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین. طبعی که در تاریکی نواخته شد و صدایش در روزهای پس از ۲۳ فوریه ۲۰۲۲ در حال شنیده شدن است.

درباره دستورکار جنگ هیبریدی قفقاز سخن بسیار است. خطر بسیار مهمی که طرح ایلاف را تهدید می‌کند، همگرایی دو لبه قیچی قفقاز است که برای بریدن ریشه ایران به هم نزدیک می‌شوند. لبه تورانی و لبه آنگلو ساکسونی. سفر اخیر خانم نانسی پلوسی به عنوان پرچمدار نظم آنگلو ساکسونی به ارمنستان زنگ خطری است که باید در پازل رژیم حقوقی دریای کاسپین معنا شود. اینکه خانم پلوسی بالاترین مقام آمریکایی است که تاکنون به ارمنستان سفر کرده است، دلالت‌های مهمی دارد. این سفر را هم باید در چارچوب حرکت هیبریدی ناتو به سمت شرق تفسیر کرد. ارمنستان آخرین سنگر فتح نشده ناتو در قفقاز و در عین حال مهمترین پنجره اوراسیایی است که ایران به آن دسترسی دارد. انتخاب

این زمان برای سفر مقام ارشد آمریکایی به ارمنستان نشانگر همان سیاست همیشگی آنگلو ساکسون‌هاست. صبر و انتظار برای شکار فرصت طلایی. فرصتی که بذر آن در ۲۱ اوت ۲۰۱۸ کاشته شد، در دوران ماه عسل روسیه و غرب؛ در دوران اختلال در پنجره قفقازی ایران؛ روز آغاز معاشقه عشق آباد و باکو در برابر چشمان افسون زده امضاکنندگان روسی و ایرانی؛ تکرار موتیف خربرت مولانا در کاروانسرای آنگلو ساکسونی کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین.

سفر به ظاهر دیر هنگام خانم نانسی پلوسی اگرچه برای دولت غرب گرای پاشینیان، نوشداروی پس از مرگ سهراب است، اما در طرح ژئواکونومیک آنگلو ساکسون‌ها، در بهترین زمان ممکن انجام شده است. در زمانی که ارمنستان در غایت ضعف و از پافتادگی است. آمریکایی‌ها در همه این سال‌ها نظاره‌گر خونریزی از پیکر رنجور ارمنستان بودند تا از پا بیفتد. از آن طرف هم روسیه را درگیر میدان مین اوکراین کردند که قفقاز را رها کند. حالا بهترین زمان است که با کمترین هزینه، با یک تیر نرم، چند هدف سخت را شکار کنند: پنجره قفقازی ایران را ببندند، دستان بلند روسیه در قفقاز را کوتاه کنند و جریان گاز اوراسیا به غرب را تحت کنترل خود بیاورند. حالا معلوم می شود که رژیم حقوقی دریای کاسپین اسب تروای آنگلو ساکسون‌ها بوده که با نفوذ عوامل غرب‌گرا وارد قفقاز و آسیای مرکزی شده است؛ پوست خربزه‌ای زیر پای روسیه و ایران. احتمالاً امضاکنندگان روسی و ایرانی تصور می کردند که رژیم حقوقی دریای کاسپین یک طرح ژئوپلیتیکی برای جلوگیری از ورود ناتو به دریای کاسپین است. اما مجموعه رویدادهای این چند سال نشان داد که دیپلمات‌های این منطقه هنوز قابلیت خواندن میان سطور را پیدا نکرده‌اند. آنها با عینک پیشگیری از ورود ناتوی سخت به دریای کاسپین نگاه می کردند و به همین دلیل نتوانستند ارتش هیبریدی ناتو را که در اسب تروای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین پنهان شده بود ببینند. آنها متوجه نشدند که آنگلو ساکسون‌ها درصدد فتح قفقاز با رویکرد ژئواکونومیک هستند. این جنگ جنگ کریدورها است. اسم رمز این جنگ هیبریدی، خط لوله گاز ترانس کاسپین بود که همزمان، ایران و روسیه را از بزرگترین کریدور گازی منطقه بیرون می انداخت و البته متعاقب آن کاهش وزن ژئوپلیتیک هر دو کشور به عنوان پیامد قهری. جنگ هیبریدی قفقاز از آنچه که امضاکنندگان روسی و ایرانی کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین تصور می کردند بسیار نزدیک تر و مهلک تر است. شاید طرف روسی به خط نورداستریم ۲ دل خوش کرده بود و با توجه به حضور مقتدرانه خود در قفقاز چنین می انگاشت که بازنده خط ترانس کاسپین فقط ایران است. اما برباد رفتن رویای کنتیننتال روسیه در خط نورداستریم ۲ و سفر خانم نانسی پلوسی به ارمنستان در بحبوحه جنگ اوکراین، به روسیه نشان می دهد که تا اینجای کار، آنگلو ساکسون‌ها برنده میدان بوده‌اند.

اینک که گرد و غبار میدان تا حدودی فرونشسته و خدعه خربرت آنگلو ساکسون‌ها برملا شده است، جمهوری اسلامی ایران به صورت بندی تازه‌ای از مساله قفقاز و آسیای مرکزی نیاز دارد. طرح ایلاف، افق‌های این صورت بندی را به ما نشان می دهد. درباره طرح ایلاف بیشتر سخن خواهیم گفت انشاالله.

## ۵- چرا بوکمال جزء جدایی‌ناپذیر طرح ایلاف است؟

در اتاق‌های فکر آنگلو ساکسونی صراحتاً گفته می‌شود که نگرانی اصلی ما از ایران، ناامن کردن تنگه باب‌المنندب و دریای سرخ نیست. چون واضح است که این کار برای ایران خودزنی محسوب می‌شود. آنچه که ما (یعنی آنگلو ساکسون‌ها) را نگران می‌کند، امن کردن مسیر زمینی از عراق به سوریه است! جملات بالا جزء مفروضات پایه‌ای آنگلو ساکسون‌هاست که تسجیل آن را با قرارداد سایکس پیکو در ۱۹۱۶ انجام دادند و در ویراست دوم سایکس پیکو با اسم رمز «خلافت اسلامی» و با حمایت عوامل نیابتی خود در سال ۲۰۱۳ درصد به‌روزرسانی آن بودند. این موضوع توسط کامران متین استادیار دانشگاه ساسکس در سایت بی‌بی‌سی در همان زمان به خوبی شرح داده شده است. پرده‌برداری این استاد دانشگاه انگلیسی ساسکس که پای ثابت برنامه‌های ضد ایرانی شبکه‌های فارسی‌زبان بی‌بی‌سی و اینترنشنال است از لایه‌های پنهان جنگ سوریه درس‌آموخته‌های ارزشمندی برای تحلیل‌گران مسائل منطقه دارد. درباره اهمیت دستاورد ژئوپلیتیک سردار جاودانه مردم ایران شهید قاسم سلیمانی و سربازان رشیدش در آزادی بوکمال و پنجره فرصت ژئواکونومی ایلاف به سمت مدیترانه، در گفتارهای دیگر بسیار سخن گفته‌ایم و پس از این هم خواهیم گفت. جای شرمساری دارد که زمان‌های طلایی برای فعال‌سازی مسیر تجاری بوکمال از طریق تجارت مویرگی از دست رفت و آنگلو ساکسون‌ها توانستند بخش زیادی از دستاوردهای آنان را در خیابان‌های بغداد و بصره بازپس بگیرند و اجازه ندهند که این پیروزی درخشان در جلوگیری از فروپاشی ژئوپلیتیک منطقه و حفظ نظم امنیتی شکننده غرب آسیا با احیای مزیت‌های تاریخی ژئواکونومی راه ابریشم تکمیل شود و البته بیم آن می‌رود که زمان طلایی فرصت اوراسیایی احیای راه ابریشم که با برند طرح ایلاف متمایز و بازسازی برند (Rebranding) شده است سپری شود و ما در افسون شعبده آنگلو ساکسونی معلق باشیم؛ روزشماری که از ۲۳ فوریه ۲۰۲۲ آغاز شده و لحظه‌های تکرارنشده‌اش به سرعت برق و باد در حال عبورند. شرح این گزاره که وصل کردن اوراسیا و قفقاز و آسیای مرکزی به مدیترانه و شاخ آفریقا، چه فرصت‌های ژئواکونومیک شگرفی برای ساکنان این سرزمین‌های کهنسال در بردارد نیازمند فرصت بیشتر است.